

ارزش و جایگاه مادر



محمد تقی صرفی پور



ارزش و جایگاه مادر

این موضوع در دو بخش مطرح می گردد:

1- ارزش و احترام مادر

2- نقش مادر در سعادت و شقاوت فرزندان

بخش اول:

1- ارزش و احترام مادر

مسأله احسان به والدین انقدر مهم است که در بعضی از آیات قرآن بعد از اعتقاد به توحید، نیکی به والدین ذکر شده است

وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَٰئِيلَ لَا تَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ وَ
بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَذِي الْقُرْبَىٰ...^۱

^۱.سوره بقره (2)، آیه 83

و به یاد آورید زمانی را که از بنی اسرائیل پیمان گرفتیم
که جز خداوند یگانه را پرستش نکنید و نسبت به پدر و
مادر و نزدیکان و یتیمان، نیکی کنید

وَاعْبُدُوا اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا.^۲

و خداوند را پرستید و هیچ چیز را شریک او قرار
ندهید، و به پدر و مادر نیکی کنید

قَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا.^۳

((پروردگارت فرمان داده جز او را نپرستید و به پدر و
مادر، نیکی کنید.))

^۲.سوره نساء (4)، آیه 36

^۳سوره اسراء(17)، آیه 23

خداوند متعال در آیات شریفه فوق، بعد از اصل
توحید (که از اساسی ترین اصول اسلام است)، به یکی
دیگر از تعلیمات انبیا، یعنی نیکی به پدر و مادر اشاره
می کند.

خداوند در آیه ای دیگر می فرماید: **وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ**
بِوَالِدَيْهِ حُسْنًا.^۴

ما به انسان توصیه کردیم که به پدر و مادرش نیکی
کند

و در حقیقت خداوند والدین را امتحانی برای انسان
قرار داده که ادمی می تواند با نیکی به والدین سعادتمند

^۴.سوره عنکبوت(29)، آیه 8

گردد یا برعکس با ناراحت کردن آنان، انسان بدبخت
گردد

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید: **نظر الولد
الی والديه حبا لهما عبادة.**^۵

. نگاه با محبت و دوستانه به پدر و مادر، عبادت است

پیامبر فرمود: "إذا كنت في صلاة التطوع فإن دعائك

والدك فلا تقطعها وإن دعيتك والدتك فاقطعها؛^۶

هنگامی که نماز مستحبی می خوانی، اگر پدرت تو را

^۵ بحار الأنوار، ج 71، ص 81

^۶ المستدرک، ج 15، ص 181

صدا کرد، نمازت را قطع نکن، ولی اگر مادرت تو را

.. "صدا زد، نمازت را قطع کن و به او جواب بده

بیان زحمات مادر در قران کریم

ایه الله جوادی املی درباره مقام مادر در قران کریم می

فرماید⁷: خداوند سبحان وقتی می خواهد از زحمات پدر

و مادر یاد کند، از زحمت مادر سخن می گوید، نه از

زحمت پدر، آنجا که می فرماید:

⁷ زن در آینه جلال و جمال صفحه 177

وَصَيَّنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ إِحْسَانًا حَمَلَتْهُ أُمُّهُ كُرْهًا
وَوَضَعَتْهُ كُرْهًا وَحَمْلُهُ وَفِصَالُهُ ثَلَاثُونَ شَهْرًا^۸

و ما انسان را سفارش کردیم که به پدر و مادرش نیکی کند ، (خاصه مادر) زیرا مادرش (بار وجود) او را به سختی حمل کرده و به سختی فرو نهاده و (دوران) بارداری و (شیرخواری تا) از شیر گرفتن او سی ماه است (که مجموع کمترین مدت زمان حمل شش ماه ، و بیشترین مدت زمان شیر دادن دو سال است ، یا بیشترین زمان حمل یک سال ، و کمترین زمان شیر دادن هجده ماه)

^۸حقاف، 15

زحمات سی ماهه مادر را می‌شمارد، که: دوران بارداری، زایمان، و دوران شیرخوراگی برای مادر دشوار است. و همه اینها را به عنوان شرح خدمات مادر ذکر می‌کند. قرآن کریم به هنگام یادآوری زحمات حتی اشاره‌ای هم به این موضوع ندارد که: پدر زحمت کشیده است.

حق مادر لازم‌ترین و واجب‌ترین حق است

جاء فی فقه الرضا (ع): واعلم ان حق الأم أَلْزَمُ الحقوق وأوجب لانها حملت
حيث لا يحمل أحدٌ أحداً، ورقت بالسمع والبصر وجميع
الجوارح مسرورة مستبشرة

بذلك، فحملته بما فيه من المكروه الذى لا يصبر عليه
أحد، ورضيت بان تجوع
ويشبع، وتظماً ويروى، وتعرى ويكتسى، وتظله
وتضحى، فليكن الشكر لها، والبر
والرفق بها على قدر ذلك. وان كنتم لا تطيقون بأدنى
حقها إلا بعون الله.⁹

امام رضا عليه السلام فرمود: حق مادر لازم ترین و واجب
ترین حق است زیرا مادر تورا حمل کرد طوری که
هیچکس این چنین نکرد. و با با همه وجود از این باری
که در دل او بود نگه داری کرد درحالی که سختی
زیادی کشید که کسی نمی تواند اینگونه تحمل کند. و
راضی بود که تورا سیر کند و خود گرسنه باشد. تورا
سیراب کند و خود تشنه باشد خود بی لباس و تو پوشیده
باشی. پس باید تشکرو نیکی به مادر از اینها به همان

⁹ مستدرک الوسائل، ج 2، ص 628

اندازه باشد. اگرچه نمی توانید کمترین جبران را بکنی
مگر به عون الهی.

عاق والدین!

اقایی می گفت چهار سال است به مادرم سر نزدم!! از او
پرسیدم مگر مادر شما جای دوری زندگی می
کند؟ گفت نه. در همین شهر است ولی همسرم نمی
گذارد به مادرم سر بزنم!!!!!!

باز اقایی می گفت برادرم قبل از ازدواج خوب بود و به
والدین و فامیل سر می زد ولی از زمانی که ازدواج کرد
کلا ارتباطش رو با والدین و فامیل و ما قطع کرد. حتی
مادرم از دنیا رفت به مجلس فاتحه او نیامد! و حدود سی
سال است ما او را ندیده ام. مادرم قبل از مردنش مرتب
می گفت می شود یک روزی بیاید و پسر من از این در
داخل خانه شود و من او را ببینم؟ و با این حسرت از دنیا

رفت. یقیناً این پسر اهل جهنم است و عاقبت به شر می شود.

از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل شد که حضرت -

موسی بن عمران به پروردگار عرض کرد که آن

دوست من که شهید شد حالش چگونه است؟

خطاب رسید او در جهنم است. عرض کرد پروردگارا

مگر شهید را وعده بهشت نداده‌ای؟ فرمود: چرا ولی او

اصرار داشت به آزردن پدر و مادر و من عمل کسی را

. که بر پدر و مادر ستم روا دارد قبول نمی‌کنم.^{۱۰}

در داستانی دیگر آمده است: اویس کار می‌کرد و از

اجرت آن مخارج مادر خود را می‌داد یک روز از مادر

اجازه خواست که برای دیدن و ملاقات با رسول الله به

مدینه برود مادرش گفت: اجازه می‌دهد به شرط آنکه

بیش از نصف روز در مدینه توقف نکنی. اویس

<http://daneshnameh.roshd.ir/mavara/mavara-index.php?page=Check&Rand=0>¹⁰

حرکت کرد وقتی به خانه پیامبر رسید اتفاقاً آن گرامی تشریف نداشتند ناچار اویس بعد از یکی دو ساعت توقف پیامبر را ندیده مراجعت کرد. رسول الله صلی الله علیه و آله به خانه آمدند پرسیدند: این نور کیست که در این خانه تابیده؟ گفتند: شتربانی که اویس نام داشت به اینجا آمد و بازگشت. فرمود: آری اویس در خانه‌ی ما این نور را به هدیه گذاشت و رفت!''

احسان به مادر راه_توبه

مردی خدمت حضرت رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) شرفیاب شد و عرض کرد: ای پیامبر خدا! من در زندگی، بسیار گناه کرده ام و اکنون پشیمانم و می

danesh.roshtd.ir/mavara/mavara-print.php?page=از+اطاعت+مورد+در+داستانهای

11

خواهم توبه کنم، چه راهی دارم که خداوند، زود از گناهان من در گذرد؟

حضرت فرمود: از پدر و مادرت کدام یک زنده اند؟
مرد عرض کرد: فقط پدرم

حضرت فرمود: برو و به پدرت خدمت کن

وقتی که آن جوان حرکت کرد و رفت، رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: اگر این مرد، مادر داشت و به مادرش خدمت می کرد، زودتر گناهان او مورد عفو قرار می گرفت و گذشته اش جبران می گردید.^{۱۲}

رسول خدا(ص)فرمود: بوی بهشت از پانصد سال راه بمشام میرسد ولی این بوی را عاق پدر و مادر استشمام

¹² مستدرک الوسائل، ج 15، ص 180

نمیکنند و نه دیوث، عرض شد: یا رسول الله دیوث کیست؟ فرمود آنکه زنش با اطلاع او هم بستر دیگری شود.....

زکریای مسیحی مسلمان شد و مادرش را مسلمان کرد

زکریا، پسر ابراهیم، با آنکه پدر و مادر و همه فامیلش نصرانی بودند و خود او نیز بر آن دین بود، مدتی بود که در قلب خود تمایلی نسبت به اسلام احساس می کرد، وجدان و ضمیرش او را به اسلام می خواند. آخر بر خلاف میل پدر و مادر و فامیل، دین اسلام اختیار کرد و به مقررات اسلام گردن نهاد.

موسم حج پیش آمد. زکریای جوان به قصد سفر حج از کوفه بیرون آمد و در مدینه به حضور امام صادق علیه السلام تشریف یافت. ماجرای اسلام خود را برای امام تعریف کرد. امام فرمود:

:چه چیز اسلام نظر تو را جلب کرد؟» گفت:

همین قدر می توانم بگویم که سخن خدا در قرآن که «
به پیغمبر خود می گوید:

وَكَذَلِكَ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ رُوحًا مِّنْ أَمْرِنَا مَا كُنْتَ
تَدْرِي مَا الْكِتَابُ وَلَا الْإِيمَانُ وَلَكِنْ جَعَلْنَاهُ نُورًا
نَهْدِي بِهِ مَن نَّشَاءُ مِنْ عِبَادِنَا وَإِنَّكَ لَتَهْدَىٰ إِلَىٰ
صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ^{۱۳}:

و بدین سان ای پیامبر، روحی را که از عالم امر ما و
حامل قرآن است، به سوی تو فرستادیم. تو پیش از آن
نمی دانستی کتاب آسمانی چیست و چه معارفی را
دربردارد، و باورها و کارهای شایسته را نیز به تفصیل
نمی شناختی که کدامند و به همه آنها ملتزم نبودی،
ولی ما آن را نوری قرار دادیم که هر یک از بندگان
خود را بخواهیم به وسیله آن هدایت می کنیم، و قطعاً
• تو نیز مردم را به راه راست رهنمون می شوی

¹³سوره شوری، آیه 52

امام فرمود: «تصدیق می کنم، خدا تو را هدایت کرده است.

آنگاه امام سه بار فرمود: «خدایا خودت او را راهنما باش.» سپس فرمود: «پسرکم! اکنون هر پرسشی داری بگو.» جوان گفت: «پدر و مادر و فامیلم همه نصرانی هستند، مادرم کور است، من با آنها محشورم و قهرا با آنها همغذا می شوم، تکلیف من در این صورت چیست؟»

آیا آنها گوشت خوک مصرف می کنند؟ -
نه یا بن رسول الله، دست هم به گوشت خوک نمی -
زنند.

معاشرت تو با آنها مانعی ندارد -

آنگاه فرمود: «مراقب حال مادرت باش. تا زنده است به او نیکی کن. وقتی که مرد جنازه او را به کسی دیگر

وامگذار، خودت شخصا متصدی تجهیز جنازه او باش.
در اینجا به کسی نگو که با من ملاقات کرده ای. من هم
به مکه خواهم آمد، ان شاء الله در منا همدیگر را
»خواهیم دید

جوان در منا به سراغ امام رفت. در اطراف امام ازدحام
عجیبی بود. مردم مانند کودکانی که دور معلم خود را
می گیرند و پی در پی بدون مهلت سؤال می کنند،
پشت سر هم از امام سؤال می کردند و جواب می
شنیدند.

ایام حج به آخر رسید و جوان به کوفه مراجعت کرد.
سفارش امام را به خاطر سپرده بود. کمر به خدمت مادر
بست و لحظه ای از مهربانی و محبت به مادر کور خود
فروگذار نکرد. با ست خود او را غذا می داد و حتی
شخصا جامه ها و سر مادر را جستجو می کرد که شیش
نگذارد. این تغییر روش پسر، خصوصا پس از مراجعت

از سفر مکه، برای مادر شگفت آور بود. یک روز به
پسر خود گفت

پسر جان! تو سابقا که در دین ما بودی و من و تو اهل «
یک دین و مذهب به شمار می رفتیم، این قدر به من
مهربانی نمی کردی؟ اکنون چه شده است که با اینکه
من و تو از لحاظ دین و مذهب با هم بیگانه ایم، بیش از
«سابق با من مهربانی می کنی؟

مادر جان! مردی از فرزندان پیغمبر ما به من این طور -
دستور داد

خود آن مرد هم پیغمبر است؟ -

نه، او پیغمبر نیست، او پسر پیغمبر است -

پسر کم! خیال می کنم خود او پیغمبر باشد، زیرا این -
گونه توصیه ها و سفارشها جز از ناحیه پیغمبران از ناحیه
کس دیگری نمی شود

نه مادر، مطمئن باش او پیغمبر نیست، او پسر پیغمبر -
است. اساساً بعد از پیغمبر

.ما پیغمبری به جهان نخواهد آمد

پسرکم! دین تو بسیار دین خوبی است، از همه دینهای -
دیگر بهتر است، دین خود را بر من عرضه بدار

جوان شهادتین را بر مادر عرضه کرد. مادر مسلمان شد.

سپس جوان آداب نماز را به مادر کور خود تعلیم کرد.

مادر فراگرفت، نماز ظهر و نماز عصر را به جا آورد.

شب شد، توفیق نماز مغرب و نماز عشاء نیز پیدا کرد.

آخر شب ناگهان حال مادر تغییر کرد، مریض شد و به

بستر افتاد. پسر را طلبید و گفت

پسرکم! یک بار دیگر آن چیزهایی که به من تعلیم «

».کردی تعلیم کن

پسر بار دیگر شهادتین و سایر اصول اسلام یعنی ایمان به

پیغمبر و فرشتگان و کتب آسمانی و روز بازپسین را به

مادر تعلیم کرد. مادر همه آنها را به عنوان اقرار و اعتراف بر زبان جاری و جان به جان آفرین تسلیم کرد صبح که شد، مسلمانان برای غسل و تشییع جنازه آن زن حاضر شدند. کسی که بر جنازه نماز خواند و با دست خود او را به خاک سپرد، پسر جوانش زکریا بود^{۱۴}

پیش پدر و مادرت بمان

جوانی به محضر رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) رسید و عرض کرد: ای رسول خدا! خیلی مایلیم در راه خدا بجنگم

حضرت فرمود: در راه خدا جهاد کن؛ اگر کشته شوی زنده و جاوید خواهی بود و از نعمت های بهشتی بهره مند می شوی و اگر بمیری، اجر تو با خداست. چنانچه

^{۱۴}. اصول کافی، ج ۲/ص ۱۶۰ و ۱۶۱

زنده بر گردی، گناهانت بخشیده شده و مانند روزی که
از مادر متولد شدی، از گناه پاک می گردی

جوان عرض کرد: ای رسول خدا! پدر و مادرم پیر شده
اند و می گویند: ما به تو انس گرفته ایم و راضی نیستند
من به جبهه بروم

پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: در محضر پدر
و مادرت باش. سوگند به آفریدگارم! یک شبانه روز در
خدمت پدر و مادر بودن، بهتر از یک سال جهاد در
جبهه جنگ است.¹⁵

دست مادر را می بوسید

¹⁵ بحار الأنوار ، جلد 74/52

حاج آقا مصطفی فرزند امام خیلی مؤدب بود و همیشه
وقتی به منزل وارد می شد دست مادرش را می بوسید^{۱۶}

بوسیدن دست و پای پدر و مادر کبر و غرور را پایین
می آورد

آیت الله مکارم شیرازی نقل می کنند که هر وقت به

شیراز می رفتم دست و پای پدر و مادرم را می بوسیدم و

در ادامه گفتند هیئات اگر انسان فکر کند که تنهایی به

جایی می رسد.

^{۱۶} پابه پای آفتاب : ج ۲، ص ۴۶

مرحوم ملامحسن فیض کاشانی نقل می کنند که اگر

سجده به غیر از خدا واجب می شد، یقیناً بر پدر و مادرم

سجده می کردم؛^{۱۷}

جوان زبانش لال شد!

«روزی پیامبر بر بوالین جوانی که در حال احتضار بود، حاضر شد. وقتی شهادتین را به او تلقین نمود، جوان نتوانست زبانش را به شهادتین باز کند و گویا لال شده بود. حضرت، مادرش را خواستند. و از مادرش پرسیدند که آیا از پسر ت راضی هستی؟ زن گفت: یا رسول الله! چهار سال است که باو حرف نزده ام!

¹⁷<https://article.tebyan.net/267584>

پیامبر از او خواستند که از فرزندش راضی شود. او هم راضی شد و جوان زبانش باز گردید و شهادتین را جاری کرد و از دنیا رفت»^{۱۸}

بوسه ای بر درب بهشت و صورت حور العین

روایت است که مردی خدمت حضرت رسول صلی الله علیه و آله آمد و عرض کرد: من نذر کرده ام که درب بهشت و صورت حور العین (زنان بهشتی) را ببوسم!

حضرت فرمود: برو پای مادر (به منزله صورت حور العین) و پیشانی پدرت را (بمنزله در بهشت) ببوس. عرض کرد: پدر و مادرم از دنیا رفته اند، فرمود: قبر آنها را ببوس، عرض کرد: مکان قبر آنها را نمی دانم (شاید در حادثه ای از بین رفته اند که در شهر دفن نشده اند و یا در اثر مرور زمان مکان آن مخفی شده است)،

¹⁸ همان

حضرت فرمود: دو خط روی زمین به صورت دو قبر
بکش به نیت قبر پدر و مادر، و سپس آنجا را بیوس^{۱۹}

دعا برای مادر و قدر دانی او

زنی بود از اهل عبادت بنام باهیه ، هنگام مرگ عرض
کرد: (خدایا) ای ذخیره (و امید) من ای تکیه گاه من در
زندگی و مرگ ، مرا هنگام مرگ وامگذار (کمکم کن
) و در خانه قبر دچار وحشت مگردان .

پس از فوت او پسرش هر شب و روز جمعه بر سر قبر
مادر می آمد، مقداری قرآن می خواند و برای مادر و
اهل قبرستان دعا میکرد. روزی این جوان مادرش را در
خواب دید سلام کرد، و عرض کرد: حال شما چگونه
است ؟ و بر شما چه می گذرد؟

باهیه گفت : پسرم ، مرگ دارای سختیها و نگرانیهاست
ولی من بحمدالله در جائی هستم که از سبزه فرش شده

¹⁹قرة العین ص 38.

و به حریر آراسته گردیده است .

جوان گفت : مادر آیا حاجتی داری ؟ مادر گفت : از تو می خواهم که از دیدن و زیارت و دعا خواندن و قرائت قرآن برای ما دست برداری ، من به آمدن تو در شب و روز جمعه مسرور و خوشحال می شوم ، پسرم وقتی تو می آیی ، اموات به من می گویند: باهیه پسرت (دارد) می آید و من به این مژده خوشحال می شوم ، امواتی هم که در اطراف من هستند به آمدن تو مسرور می شوند.

آن جوان گوید: من در هر شب و روز جمعه به زیارت قبر مادرم رفته مقداری قرآن می خوانم و اینگونه دعا می کنیم :

خداوند وحشت شما (اموات) را انس و همدم باشد و بر غربت شما ترحم کند و از گناهانتان بگذرد و نیکیهای

شما را قبول نماید.

گوید: یک شب در خواب مشاهده کردم جمعیت زیادی به طرف من آمدند! پرسیدم ، شما کیستند و چه حاجتی دارید؟ گفتند: ما اهل قبرستان هستیم ، آمده ایم از تو تشکر کنیم و بخواهیم که قرائت قرآن و دعا کردن را از ما قطع نکنی^{۲۰}

حق مادر

رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید: «حق پدر این است که از او در طول زندگی اطاعت کنی و اما حق مادر را هرگز نمی توانی ادا کنی. حتی اگر به تعداد شن های بیابان و قطره های باران، روزها در خدمتش بایستی، تنها به جای زحمات طاقت فرسای دوران

اخلاق در خانواده و تربیت فرزند-سید محمد نجفی یزدی

بارداری او نخواهد بود». شخصی به پیامبر از کج خلقی مادر شکایت کرد، حضرت فرمود: «او در آن نه ماه که بار تو را تحمل می کرد و آن دو سال که تو را شیر داد و شب هایی که بیداری کشید و روزهایی که برای تو تحمل تشنگی کرد، کج خلق نبود». مرد گفت: من جزای زحماتش را پرداخته ام و او را دوبار بر دوش گرفته و به حج برده ام. حضرت فرمود: «حتی جزای». «یک ناله او را هنگام وضع حمل نپرداخته ای».²¹

سیره پیامبر در احترام نسبت به مادرش آینه و احترام فوق العاده نسبت به وی، بهترین دلیل بر عظمت مقام مادر است. به نوشته تاریخ نگاران، پیامبر همراه مادر جهت زیارت تربت پدرش عبدالله به سفر یثرب رفتند. هنگامی که در سرزمین ابواء - نزدیک مدینه - رسیدند، آینه بیمار شد و به تدریج وضعش رو به وخامت نهاد و

²¹<http://forum.hammihan.com/thread150966-2.html>

کم کم آثار مرگ در وی پدیدار گشت. پیامبر در آخرین لحظات زندگی مادر، صورت خود را به صورت او گذاشت و با حالت غم و اندوه به چهره مادر نگاه می کرد و می گریست. همراهان هر بار او را از جسد مادر جدا می کردند، دوباره خود را روی جنازه مادر می انداخت و ناله می کرد

رسول خدا (صلی الله علیه و آله) پس از وفات مادر همواره به یاد او بود و به زیارت مزارش می آمد. روزی بر سر مزار مادر آمد، دو رکعت نماز خواند، سپس ندا داد مادر! قبر شکافته شد، آمنه در میان قبر نشسته بود و می گفت: «اشهد أن لا اله الا الله و انک رسول الله». حضرت از مادر سؤال کرد: امامت کیست؟ گفت: فرزندانم! امام تو کیست؟ پیامبر فرمود: اینک امام تو علی بن ابی طالب (علیه السلام) است. آمنه به ولایت علی (علیه السلام) شهادت داد و به جایگاهش برگشت

این رفتار پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) در حال حیات و پس از وفات آمنه، نشان دهنده عظمت، منزلت و مقام عالی مادر است؛ چرا که افضل موجودات عالم، یعنی وجود مقدس رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) همانند یک انسان خاضع، در برابر مادر زانوی ادب بر زمین می زند و با دید احترام به او نگریسته، از او تعظیم به عمل می آورد. سرانجام می خواهد مادرش با ایمان هر چه کامل تر در قیامت محشور گردد، شهادت به ولایت علی (علیه السلام) را به او تلقین می کند. این سیره پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) برای همه مسلمانان دنیا درس بزرگ است و در رفتار با مادر، باید به آن حضرت تأسی کرد و از سیره او درس آموخت.^{۲۲}

2- نقش مادر در سعادت و شقاوت فرزندانش

مادر در سعادت و یا شقاوت فرزندانش نقش بسیار مهمی دارد و مادر است که می تواند انسان سازی کند و با انجام وظایفی که بعده دارد فرزندانش را سعادتمند کند و بهشت را برای خود و فرزندانش بخرد.

اکثر کسانی که به درجات بالای معنوی رسیدند از تاثیر مادر بر روی خود می گویند و اینکه مادرشان زن پاکدامن و مومنی بوده و اگر آنها بجایی رسیده اند از برکت نفس پاک مادر بوده است

.

ام ایها مادر پدرش

اگرچه رسول خدا در کودکی مادرش را از دست داد ولی وقتی فاطمه متولد شد و بزرگ شد انقدر به پیامبر محبت می کرد که پیامبر او را ام ایها یعنی مادر پدرش نامید.

فاطمه بنت اسد حق مادری بر پیامبر دارد

مادر امیرالمومنین بنام فاطمه بنت اسد خیلی به پیامبر محبت می کرد و پیامبر از هشت سالگی یعنی وقتی جدشان عبدالمطلب از دنیا رفتند، در منزل عمویشان ابوطالب و زن عمویشان فاطمه بنت اسد زندگی می کردند. پس فاطمه بنت اسد حق مادری به گردن پیامبر اسلام داشتند.

در تربیت حضرت امام در کودکی سه نفر زن نقش داشتند. یکی مادرشان بانو هاجر که از خاندان علم و تقوا بود و پانزده سال در تربیت امام مجاهدت کرد و امام پانزده ساله بودند که مادرشان از دنیا رفتند. دوم عمه حضرت امام بنام بانو صاحبه که ایشان هم زن با کمالاتی بودند سوم دایه حضرت امام بنام ننه خاور. مادر آیه الله خامنه ای هم در تربیت فرزندشان خیلی مجاهدت کردند حتی ذوق شعری که رهبر عزیزمان دارند یادگار از مادرشان است.

مادر شیخ انصاری در تربیت فرزندشان آنقدر مجاهدت کردند که وقتی شیخ انصاری به مرجعیت رسید و به مادرشان خبر دادند که ایشان مرجع تقلید شده، مادرش گفت اگر به پیامبری هم می رسید تعجب نداشت

چونمن خیلی برایش زحمت کشیدم حتی یکبار بدون
وضو بش شیر ندادم

عیسی مسیح در گهواره از نیکی به مادر می گوید

حضرت مسیح (علیه السلام) اگر چه بدون پدر تولد
یافت، در مقام برشمردن افتخارات خود، نیکوکاری
نسبت به مادر را ذکر می کند، و این خود، دلیل روشنی
بر اهمیت مقام مادر است. خداوند در قرآن از زبان
عیسی (علیه السلام) می فرماید: «و برا بوالدتی و لم

یجعلنی جبارا شقیاء؛^{۲۳} خداوند مرا نسبت به مادرم
«نیکوکار قرار داده و جبار و شقی قرار نداده است

خداوند در قرآن به زحمات فوق العاده مادر اشاره
می کند و می فرماید: «و وصینا الانسان بوالدیه حملته امه
وهنا علی وهن؛^{۲۴} ما به انسان درباره پدر و مادرش
سفارش کردیم مادرش او را با زحمت روی زحمت
حمل کرد».

نقش مادر در سعادت و شقاوت فرزندان

بهشت زیر پای مادران است

^{۲۳} مریم/سوره ۱۹، آیه ۳۲ ↑

^{۲۴} لقمان/سوره ۳۱، آیه ۱۴ ↑

ابتدا درباره این حدیث نبوی توضیح مختصری می
دهیم.

یکی از مهم ترین سخنان پیامبر اعظم، درباره جایگاه
مادر است که فرمود بهشت زیر پای مادر است.^{۲۵}

یعنی مادر مسئولیت بسیار مهمی را در تربیت فرزندان
خوب بعهدہ دارد کہ مادر اگر بہ وظیفہ خود بخوبی
عمل کند ہم خود بہشتی است و ہم فرزندان بہشتی
خواہند بود.

الجنة تحت اقدام الأمّات- كنز العمال، ج 16، ص 461، ح
25."45439؛ مستدرک الوسائل، ج 15، ص 180

در قرآن کریم در سوره اعراف هم به این وظیفه اشاره شده است انجایی که می فرماید:

والبلد الطیب یخرج نباته باذن ربه والذی خبث لایخرج
الا نکدا^{۲۶}

یعنی سرزمین پاک و خیلی خوب، محصول خیلی خوب
و پاک بیرون می دهد ولی سرزمین بد و
نامناسب، محصول بد می دهد.

مادر خوب، فرزند خوب تربیت می کند و مادر بد
، محصول بد می دهد.

²⁶اعراف 58

در حدیث است که.

السعيد سعيد في بطن امه والشقى شقى في بطن امه.^{۲۷}

يك معنای حدیث همین است که گفتیم. مادر در

سعادت و شقاوت فرزند نقش مهمی ایفا می نماید.

در روایت دیگری است که از زمانی که فرزند در شکم

مادر است او را تربیت کنید. سوال شد چگونه؟ فرمود با

دادن غذای حلال به مادر.

²⁷ التوحید، شیخ صدوق (م ۳۸۱ ق

امام خمینی فرمود: "در دامن زن، مرد به معراج می

رود" یعنی اگر زن (مادر) اخلاق نیکو داشته، فرزند را

درست تربیت کند، عاقبت فرزند، بهشت و خوشبختی

است. از این رو رَحِم (زهدان) پاک است که فرزندانی

بهشتی تربیت می کند.

اینکه وقتی امام هادی علیه السلام می خواهد برای

فرزندش امام حسن عسکری همسر بگیرد منتظر می ماند

تا نرجس خاتون از روم بیاید و او همسر امام عسکری

بشود زیرا فقط رحم مطهر نرجس خاتون قابلیت و

شایستگی نگه داری مهدی ال محمد را دارد.

فقط خدیجه کبری است که می تواند فاطمه زهرا

بزاید. فقط فاطمه زهراست که می تواند حسن و حسین

و زینب را بزاید. فقط نجمه خاتون است که می تواند

امام رضا علیه السلام و فاطمه معصومه را حامله شود و

بزاید..

در جنگ جمل وقتی امام علی علیه السلام به محمد بن

حنفیه گفت برو به دشمن حمله کن. محمد ماند. امام

گفت چرا جلو نمی روی؟ محمد گفت صبر می کنم تا

تیرها کم شود بعد حمله می کن. امام مشتی بر سینه او زد

و فرمود رگی از مادرت در تو است!

بعد به حسن و حسین علیهما السلام فرود شما حمله

کنید. حسنین حمل کردند و به قلب لشکر دشمن زدند و

پاهای شتر عایشه را قطع کردند و دشمن شکست خورد.

اری مادر اگر ترسو باشد فرزند هم طبق علم ژنتیک

ترسو خواهد بود و اگر مادر شجاع باشد فرزند هم

شجاع خواهد بود. همچنان که وقتی بعد از شهادت

فاطمه زهراء س، امام علی خواستند ازدواج کنند به

عقیل فرمودند زنی از قبیله شجاع برای ما سراغ

بگیر. عقیل هم فاطمه کلایه یعنی همان ام البنین را برای

حضرت علی علیه السلام در نظر گرفت که با ازدواج

امام با ام البنین، خداوند چهار فرزند شجاع در راستان

قمر منیر بنی هاشم ابوالفضل عباس را به حضرت عنایت

کرد.

مادر پاکدامن، فرزندش پاکدامن است ولی مادر الوده

، فرزندش الوده خواهد بود. اون خانمی که حجابش را

رعایت نمی کند. با نامحرم شوخی می نماید. حیا

ندارد. چگونه انتظار دارد فرزندش با حیا و عفیف باشد؟

اگر حضرت مریم مظهر عفاف و عبادت نبود نمی

توانست مادر عیسی مسیح باشد.

مادر جایگاه بسیار مهمی دارد و باید به این جایگاهش

توجه داشته باشد

اگر مادر ناصالح باشد اثر بسیار منفی زیادی روی فرزند می گذارد. و گاه سعادت او را به خطر می اندازد.

پسر طالح شیخ فضل الله نوری

گویند شهید شیخ فضل الله نوری شهید مشروطه، پسری

داشت که طالح بود یعنی ادم فاسدی بود. وقتی علت

انحراف این پسر را از شیخ پرسیدند. شیخ فرمود من از

زمانی که این پسرم کودک بود فهمیدم که ادم درستی

نخواهد شد! زیرا وقتی متولد شد مادرش شیر

نداشت. برای او دایه گرفتیم که به او شیر می داد. ولی

بعد از مدتی فهمیدیم دایه ادم ناپاکی است! و این پسر از

شیر ادم ناپاک تغذیه کرده است پس عاقبت به خیر نمی شود.

مادر معاویه هند جگر خوار است! مادر حجاج بن یوسف ثقفی خونخوار، زن ناپاکی بود. مادر شمر، زن ناپاکی بود. مادر ابن زیاد زن ناپاکی بود.

فاطمه زهراء مادر نمونه

حضرت فاطمه (س) مادر بی نظیر و مادر نمونه است. با اینکه حضرت زهرا از سن ده دوازده سالگی مادر شده بود و چهار فرزند دنیا آورد و از نظر مالی هم متمکن نبودند و شوهرش امیرالمومنین هم گاهی در جنگها مجروح می شدند و زهراى مرضیه پرستاری می

کردند اما فرزندان تربیت کردند که هر کدامشان جهان را بنور خود روشن نمودند. و الگوی انسان هایی که می خواهند به کمال برسند شدند.

فاطمه زهرا ایتار گر بزرگ

در روایات هست که بارها شده که فاطمه خود گرسنه می ماند ولی فرزندان را سیر می کرد. گاه تا پنج روز گرسنه بود اما شوهرش نمی دانست.

آری ، فاطمه زهرا (س) شکم فرزندان را به قیمت گرسنگی خود، سیر می کرد.

زمانی که مسلمانان به علت کمبود آب، سخت در مضیقه بودند، فاطمه (س) حسن و حسین (ع) را نزد پیامبر (ص) برد و عرض کرد: ای رسول خدا! فرزندان من خردسالند و تحمل تشنگی در توان آنها نیست.

پیامبر (ص) که نگرانی دخترش را در این رابطه، بجا و به موقع دید، زبان مبارکش را در دهان حسن و

حسین(ع) قرار داد و با تر کردن دهان آنها، حضرت زهرا را از نگرانی در آورد و آن دو طفل کوچک را نیز از تشنگی مفرط نجات داد.²⁸

امام صادق سلام الله علیه درباره شأن مادرش ام فروه فرمود: **مادرم از جمله زنانی بود که ایمان آورد و تقوا پیشه کرد و نیکوکاری نمود، و خدا نیکوکاران را دوست دارد.**

تربیت دینی

سید هاشم حداد از شاگردان مرحوم قاضی می گوید: مادرم از زنان مومنی بود که به خواندن زیارت عاشورا در هر روز مداومت داشت، طوری که بعد از نماز صبح

²⁸ مناقب ابن شهر آشوب، ج3، ص394

مشغول تعقیبات نماز و از جمله زیارت عاشورای کامل می شد. او در حالی که برای فرزندانش صبحانه آماده می کرد زیارت را می خواند و انوار و برکات این زیارت عظیم در غذایی که فرزندان از آن می خوردند، جاری می شد و در رگ هایشان سریان می یافت.²⁹

📖 از مادر مرحوم مقدّس اردبیلی ، سبب مقام ارجمند فرزندش را سوّال کردند ،

✓ ایشان فرمودند :

👉 📖 من هرگز لقمه شبهه ناک نخوردم.

👉 📖 قبل از شیر دادن به او ، وضو می گرفتم.

²⁹سید علی قاضی و شاگردانش، ص 155

👉📌 ابدأ چشم به نامحرم نینداختم.

👉📌 در تربیت کودک بعد از شیر باز گرفتن ،
کوشیدم.

👉📌 نظافت و طهارت او را مراعات داشتم.

👉📌 و با بچه های خوب ، او را می نشاندم.

مادر در پیشگاه الهی حرمت عظیمی دارد

دختر حزیل، آرایشگر دختر فرعون

«رسول خدا(ص) در معراج بوی خوشی احساس کرد. وقتی علت آن را از جبرئیل پرسیدند، جبرئیل گفت: این بوی خوش از دختر حزیل، آرایشگر دختر فرعون است. زیرا او در پنهانی خداپرست بود ولی فرعون متوجه شد و از او خواست که دست از عقیده‌اش بردارد و یا اینکه او و فرزندانش کشته می‌شوند. او حاضر نشد دست از توحید بردارد لذا فرعون ابتدا کودکان او را در مقابل چشمان مادرشان به داخل تنور انداخت و سوزاند. سپس خود این زن را بشهادت رساند.»